



Donald Barthelme

دونالد بارتلمی

زن اسیر

ترجمہ
مزدک بلوری

فهرست

۷	نقد زندگی رورمره .
۱۹	سکریت
۲۷	رگبار طلا
۴۳	چند لحظه حواب و بیداری
۵۵	آرواره‌ها
۶۳	کودن
۷۳	من و حاتم مدیبل
۹۱	شلی
۹۷	به من می‌گویی؟
۱۱۱	رن اسیر
۱۲۷	شس مرد
۱۳۹	شهر کلیساها
۱۴۷	در مورهی تولستوی
۱۵۹	گفت‌وگوهای ناگفته
۱۶۳	رامبی‌ها

نقد زندگی روزمره^۱

وقتی نشریه‌ی *سیریه‌ی دیپریویشن*^۲ را می‌خواندم، واندا^۳، همسر سابقم، محله‌ی *آل*^۴ را می‌خواند *آل* برای کسی که در دانشگاه در رشته‌ی زبان فرانسوی تحصیل کرده بود و حالا به‌حر مراقبت‌کردن از بچه و بیرون نگاه‌کردن از پجزه کار دیگری نداشت که نکند انگیزه‌ای برای طعیان بود واندا نا محله احساس همدلی می‌کرد. یک نار *آل* اعلام کرد که زبان ساردار استیک خام نمی‌خورند^۵ و واندا متانعت کرد در طول کل دوره‌ی بارداری‌اش

۱ *Critique de la Vie Quotidienne*، اولس محلد نقد زندگی روزمره، مطالعه‌ی کلاسیک سگانگی به قلم آبری لوفور، جامعه‌شناس و فیلسوف مارکسیست فرانسوی (۱۹۰۱-۱۹۹۱)، در سال ۱۹۴۷ منتشر شد - م

۲ *Journal of Sensory Deprivation*، به‌معنی «محرومیت حسی»، سعی محرومیت از محرک‌های بروی معمول - م

3 Wanda

۴ *Elle*، محله‌ی فرانسوی نا مطالبی درباره‌ی مد، ریبایی، تدرسی و سرگرمی در زمانی که اس داسان نوشته سد این محله هور به زبان انگلیسی منتشر می‌شد - م

5 *Femmes encartes ne mangent pas de bifteck cru*

حتا دره‌ای استیک حام^۱ توی دهانش نگذاشت او همان‌طور که ال توصیه کرده بود un petit air naif یا ظاهر دحترمدرسه‌ای‌ها به خودش داد همیشه عکس‌های چهاررنگ آسیاب مرمت‌شده‌ی ریبایی را در بریتنی^۲ بهم نشان می‌داد که نا لوآرم مرل آرنه یا کوسس^۳ و اشیای پلاستیکی قرمر و ناربحی روش ار میلان^۴ بونوار شده بود حانه‌ای که طبیعت را محسم می‌کند^۵. طی این مدت ال چیری در حدود چهار هزار مقاله‌ی حبری^۶ متفاوت درباره‌ی آنا کاریا^۷، ستاره‌ی سینما، منتشر کرد و واندا واقعاً تا حدودی به او شهاست پیدا کرد

عروب‌های مان فاقد امید بود دنیا در عروب، اگر مرد متاهلی ناشی، به‌نظر آکنده ار فقدان امید می‌آید هیچ کاری بیست نکسی حر این‌که به حانه بروی و نه گیلانوشیدنی‌ات را بحوری و همه چیر را فراموش کنی

روی صندلی مورد علاقه‌ات ولو شده‌ای و نه گیلانوشیدنی‌ات روی میر کار ملل در آرایش سربارماند به صف شده‌اند و دستت هرگر ار آن‌ها دور نمی‌شود و دست دیگرش شکم قلسه‌ی بچه‌ی تا حرحره‌حورده را می‌چسند و شاید کمی تکانش بدهی، اگر صندلی بچه سویی باشد، چنان‌که مال بچه‌ی من در آن رورها سویی بود، بعد راستش چه‌سا آن پیچک کوچکی تحقیر- به این را قلم می‌گیرم، مسطورم محتوا بود- آن پیچک کوچک محتوا ار محربی که همه‌ی محتوا‌ی دنیا نگهداری می‌شود پیچ بحورد و بالا برود و به معر برم‌شده‌ی تو برسد و کنترل آن‌ها را به دست بگیرد و تو را متقاعد کند که این بالاحره ثمره‌ی همه‌ی کارهای توست، کارهایی که درباره‌شان فکر می‌کردی و ار خود می‌پرسیدی «ثمره‌ی کارهایم کو؟» و اراین‌رو، تو که تاره

1 *bifteck cru*

2 Brittany

۳ Arne Jacobsen، معمار و طراح دانمارکی - م

4 Milan

5 *Une Maison Qui Capte la Nature*6 *actualite*

7 Anna Karina